سفارت لهستان
ادارهٔ اطلاعات

تهران بتاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۲۲
شماره ۸

نامه لهستانی

این نامه را پس از اینکه خواندید برفقای خود بدهید

بقلم ژرژ ریژیه

مشروطیت لهستان مصوبه ۳ مه ۱۷۹۱



از ۱۵۲ سال پیش تابحال همه ساله لهستانیها بزرگترین عید ملی خود را جشن می‌گیرند. این عید مشروطیت ۳ مه ۱۷۳۱ میباشد. مشروطیت ۱۷۹۱ نمونه بزرگی از میهن دوستی لهستانیهاست و از علاقه این ملت به حقوق فردی واجتماعی حکایت میکند.

همانطوریکه سه اصل آزادی برادری و برابری اصول انقلاب فرانسه را تشکیل میدهد کلمه عدالت نیز اصل مشروطیت ۳ مه لهستان را تفسیر میکند. یکی از تاریخ نویسان لهستان مشروطیت سوم مه را انقلاب بی‌سروصدا نامیده است.

بنام این عدالت لهستانیها همیشه جنگیده‌اند و هم امروز هم در کلیه جبهه‌ها به دفاع از این عدالت سیاسی و اجتماعی مشغولند. بنام این عدالت لهستانیها خون خود را میریزند و مرام خود را پیش میبرند.

در سال ۱۷۹۱ اطراف لهستانرا دشمنان فرا گرفته بودند. خطر نه فقط از خارج بلکه از داخل هم لهستانرا تهدید مینمود و به علت ضعف سازمان داخلی دولت عظیم لهستان در حال اضمحلال بود.

در آنموقع وطن پرستی لهستانیها خطر را مرتفع نموده و به موفقیت بزرگی نائل آمد. لهستان در اثر این انقلاب بی سروصدا حقوق اجتماعی و فردی را که تا آنموقع منحصر به اعیان واشراف بود بسط داده و تمام افراد را از آن برخوردار نمود. لهستان اولین کشور اروپائی بود که باین موفقیت نائل آمد؛ این تحولات در کلیه شئون اجتماعی لهستان آن عصر تاثیر بسزائی نمود.

مجلس شورای لهستان در آنموقع مشروطیت وقوانینی را به تصویب رسانید که در اثر آن انقلاب بزرگی در افکار آن عصر بدید آمد. نکات مهم این مشروطیت از این قرار است.

آزادی عقاید مذهبی. حمایت مخصوص از برزگران. محدودیت مزایای اشراف. مزایای مخصوص برای طبقه سوم از قبیل حق انتخاب شدن در مجلس و حق داشتن زمین.

مشروطیت برای اولین بار قوه مقننه ایجاد نمود. دستگاه تقنینیه از مجلس شورا ومجلس سنا تشکیل شده

پوشالی بوده و باسقف و دیوارهای سفید آهکی خودنمائی میکنند و هریك بوسیله یك ردیف درختان کوتاه سبز ازهم جدا میشوند .



محوطه دانشگاه قدیمی کراکوی بامجسمه کبرنیك

درسرحدات اختلاف طرز جغرافیائی مناظر باعث تعجب بیننده می گردد . از ناحیه اسمولنسك Smolensk دشتها کم کم پرچمن گشته و درختزار و جنگلهای کوتاه دیده میشود دره های وسیعی نمایان میگردند که کف آنهـا از چمنزارهای تر و تازهٔ مستور و دارای آبهای جاریست بین جنگلها و قلمستانها و درههای سبز وخرم که کمی در کف دشت فرورفته مخصوص نواحی لهستانیها است . ولی شبیه آنست که این طبیعت رادست بشر خلق کرده است مجموع خانهای وسیعتری تشکیل دهات متعددی را داده و مزارع رنگارنگ مانند کاشی کاری نقش زمین شده وشاهد آنست که دست انسانی با زیبائی آن بازی کرده است .

از ناحیه پوتزنانی la Potznanie تا ناحیه روسیه سفید تغییرات زیادی درطبیعت دیده میشود ناحیه واسطه آن نیز با کلیه حوضهای رود ویستول ارتباط دارد این ناحیه گاهواره ومحل اصلی لهستان بود وامروز لهستان به این ناحیه اطلاق میگردد .

در آنجا شهرهای تاریخی و پایتخت قرار دارد .

ناحیه Wilno ویلنو - وینه من Niemen وجنگلهای پر غوغای آن خاطرهٔ از لیتوانـی Lithuanie است و هم چنین دشتهای باز پود ولی la Podolie ازلحاظ شباهت جمعیت قسمتی از اوکرون Ukraine است .

نواحی دور بین کارپات شرقی و روهانی مردمان مخصوص اسرار آمیزی دارد مثل Basques باسكها ولی اینها هیچیك مانع آن نیست که بگوئیم مردم نواحی شرقی لهستانی نیستند ، بالعکس این مردمان از طرز تربیت شباهت زیادی با لهستانیها داشته اما خصوصیات مناظر و طبیعت این نواحی مثل اینست که دنیای دیگری را جلوه گر میسازد .

بطور کلی لهستان در میان ممالك شرقی اروپا مملکت متغیری است چه از لحاظ آب و هوا و چـه از لحاظ گیاهان مختلف با وجود اینکه از لحاظ ارتفاعات یکنواخت است .



کوههای کارپات در جنوب لهستان

درلهستان دوناحیه پردرخت تشخیص داده میشود که یکی درسرحدات شمال ازشرق به غرب کشیده شده و درجنوب پروس شرقی قرار دارد و کلیه خاك شمال لهستان راتشکیل میدهد. ناحیه Wilno ویلنو مخصوص

و هم‌چنین شورای وزیران نیز در این مشروطیت جدید پیش بینی شده بود.

عدالت در مقابل قانون برای اولین بار اعلام شد وارتشی بریاست پادشاه بوجود آمد که‌در مقابل دشمنان احتمالی از استقلال میهن دفاع نماید. - این ارتش بایستی نسبت به‌ملت وشاه وفادار وبرای حفظ مشروطیت فداکاری نماید.

بر طبق رژیم جدید مزیتی که اشراف از لحاظ مخالفت باقوانین پیشنهادی داشتند بکلی از بین رفت وبجای آن سیستم اکثریت آراء معمول گردید. بایست یادآور شد که‌این تصمیم هائی‌که مزایای اشراف را محدود مینمود باموافقت خود اشراف محدود گردید ومنظور از آنهم فقط بهبودی اوضاع میهن بود.

برای اینکه بهتر بمعنی این مشروطیت پی‌ببریم و تاثیر آنرادرزندگانی ملی لهستانیها واضح نمائیم کافی است گفتهٔ یکی ازمورخین لهستانی را نقل نمائیم (دلیل اساسی اینکه لهستانی ها خود را یك‌ملت متحد میدانند وباروح فداکاری ازحقوق خود دفاع مینمایند وبه‌آتیه درخشان خود امیدوار هستند مشروطیت سوم مه۱۷۹۱ میباشد.)

آدام‌میکیویچ بزرگترین شاعر لهستانی در این باره میگوید «این قانون ازمغز متفکر بزرگی‌تراوش ننموده و ازدهان ناطق معروفی خارج نشده بلکه ازقلب ملت بیرون آمده است

ملت لهستان که درطی تاریخ خود صفات بزرگ خود را به‌ثبوت رسانیده است امروز درصف اول ملتهای طرفدار آزادی‌میجنگد. ملت لهستان باخون‌وزندگانی ملی و فداکاریهای بسیار از آزادی دفاع نموده و یقین دارد که تنها عدالت دراین گیر ودار فاتح خواهدشد»

لهستان

وخصوصیات جغرافیائی آن

۱ـ باوجود آنکه‌لهستان‌نسبت بوسعت‌قرن‌هیجدهم خودبسیار کوچك‌شده‌ولی‌باهمه‌اینهاامروز شامل ۳۸۸۰۰۰ کیلومتر مربع خاك است.

۲ ـ بدبختانه درنتیجه‌همسایگی باکشوربزرگی چون آلمان درنتیجه تجزیه شدن در ردیف کشورهای درجه دوم اروپای‌مرکزی‌قرارگرفت و برای آن کشور لهستان پس‌ازروسیه ـ آلمان‌ـفرانسه‌ـاسپانی‌ـسوئددر درجه‌ششم‌قرار گرفت.این کشوردارای‌تقریباً ٤٠٠٠ کیلو متر ساحل‌درحدودبوکوین Bokovine میباشد. فاصله‌ها بین بندر Moravie موراوی و ساحل دونیا la Dwina نیز بهمین اندازه است.

این فواصل تقریباً مثل فاصله بندردونکرك و یا کاله فرانسه است تا سواحل مدیترانه - از طرفی باید دانست که خاك زیاد و وسعت در قوت و قدرت کشوری کمتر حائز اهمیت است.

آمار عمومی باید با دقت و حوصله تهیه شده و نتیجه آن باآمار کشور همسایه سنجیده گردد باین ملاحظه کشور لهستان جمعیت‌ووسعتش باهم تقریبا نسبت داشته و با ۳۳ میلیون نفوس دردرجه ششم‌پس ازروسیه ـ آلمان ـ بریتانیای کبیر ـ فرانسه ـ ایطالیا و اسپانی قرار میگیرد.

ب ـ وضع طبیعی ـ ملت لهستان کشورِ خود را یکنواخت می‌پندارد زیرا از سواحل پاد گاله‌دشت‌وسیعی که بتدریج‌بوسعتش اضافه میگیرد و تادامنه جبال‌اورال کشیده شده و ۸۰٪ سطح این کشور را تشکیل میدهد و نهایت ارتفاعش به ۲۰۰ متر ازسطح‌دریابیشتر نمیرسد.

دشت لهستان وضع خاصی ما بین ناحیه نزدیك آلمان وروسیه داردزیراپس از چند ساعت راه‌درشنزار مشجری که بیشتر درختان‌کاج در خط مستقیم کشیده شده چیز دیگری دیده نشده ولی از براند بووگ Brandebrusg خاك لهستان بامناظر خاصی جلوه گرمی گردد. دیگر سرو وکاج دیده نشده ودرعوض درختان پر برگ‌مخصوص آفرا دیده میشود دیگر جنگلی‌وجود نداشته‌ولی جنگلهای کوچك و درختانی بافواصل زیاد ازهم‌دیده میشود که دربهار گلهای خوشرنگ سبزی بر زمینه دشت نمایش میدهند.

دهات باخانهای محکم آجری وسقف توفالی‌قرمز رنگ که مخصوص دشت آلمان میباشد که اغلب خانها

دشمن مشترك را شروع کنند. هزاران مهاجر نظامی و غیر نظامی روی‌جاده‌های رومانی و هنگری‌در حرکت بودند اینها آذوقه‌ای باخود نداشتندولی‌باشکم گرسنه راه میپیمودند تا بلکه زودتر بفرانسه برسند و جنگ را ازسر گیرند. ولی‌رسیدن‌بفرانسه این اندازه‌ها آسان نبود. عده زیادی ازاین فراری‌ها موقعیکه ازسرحدمی گذشتند مورد اصابت گلوله مأمورین سرحدواقع شده و جان میسپردند - بعضی دیگر ازسرما میمردند وبعضی هم با پاهای‌یخ زده بمقصد میرسیدند. لهستانیهاراېزودی درار دوگاهها محبوس‌نمودندوزندگی دراین‌اردوگاهها درکشورهائی که لاف‌دوستی‌بالهستان میزدند - رومانی ومجارستان - يك‌سلسله عذاب ورنج بود. در نظراین محبوسین فرانسه سرزمین آزادی بود ولی‌رسیدن‌بآن یکی ازکارهای قهرمانی محسوب میگردید و حتی غیر ممکن بنظر میرسید. ولی بالاخره عده‌زیادی‌لهستانی به فرانسه رسیدند و قطارهای متعددلهستانیهائیراکه‌برای دخول درارتش داوطلبانه حاضر میشدند با خود همراه میبردند. دراواخر ماه اوت اتحادیه افسران احتیاط به تشکیل ارتش لهستان‌درفرانسه مبادرت نمود وبه‌ورودی شروع به پذیرفتن داوطلب کرد. روز ۷ سپتامبر سفیر کبیر آنوقت‌لهستان درفرانسه ووزیرامورخارجه‌فرانسه موافقتنامه‌ایرا امضاء نمودندکه برطبق آن دسته های ارتش لهستان که درفرانسه تشکیل میشدصورت قانونی بخود گرفت. بزودی اردوگاه کتکیدان دربرتانی‌پر از هزاران لهستانی شدکه داوطلبانه درارتش‌داخل شده بودند. این‌سربازان بیشتر کارگرانی‌بودندکه‌درفرانسه زندگی میکردند. هرروز هزاران‌لهستانی اسامی خود را برای دخول درارتش به ثبت میرسانیدند ودسته‌های لهستانی مانند سیل ازاطراف‌واکناف عالم به‌طرف‌فرانسه روی میآوردند، این لهستانیها تنها آرزوشان‌جنگیدن برعلیه آلمانها بود،

سرلشگر شیکورشکی که در اوایل ماه سپتامبر برای دفاع ازلهستان سعی‌بلیغ‌مبذول میداشت‌فرماندهی دسته‌های جدید را بعهده گرفت.

دراواخرماه دسامبر ۱۹۳۹ عده سربازان‌لهستانی بیش از ۳۰۰۰۰ نفر بود. درطی پنج‌ماه اول سال۱۹۴۲ این عده بر ۷۰۰۰۰ نفر بالغ گردید دو لشگر پیاده يك تیپ تیراندازان پودهوله و يك تیپ زره‌پوش تشکیل گردید دولشگر پیاده دیگر ودوتیپ تیرانداز موسوم به تیراندازان کارپات در سوریه دردست تشکیل بود. دسته‌های‌لهستانی درجنگ شرکت‌نمودند. تیپ‌پودهوله به فرماندهی سرلشگرشیشکو - بوکوش-اولین دسته‌ای بودکه درخارج لهستان درجنگ شرکت‌کرد. ایندسته که بمعیت‌سپاه اعزامی انگلیس به‌نقاط دوردست‌شمالی فرستاده شد درمقابل عالم ثابت نمود که دستجات ارتش لهستان درخور تحسین و تمجیدبوده و لهستانیها تصمیم قطعی دارندجنگ را دنبال نمایند. تیپ مستقل‌پودهوله بعدا جزو لشگر فرانسه و لهستانی تحت فرماندهی سر لشگر فرانسوی بتوارت درآمد. دراین عملیات نظامی تیپ‌لهستانی بموفقیت بزرگی درآنکنس ونیبورگ و بیسفیورد نائل گردید واز طرف فرمانده فرانسوی‌هم از این دسته‌جات قدردانی گردید. میان دسته‌جاتیکه در نزدیکی ناورپك به عملیات پرداختندسربازان لهستانی مقام اول را احراز نمودند. موقعیکه حمله آلمان به فرانسه شروع شدتیپ پودهوله نروژ راترك گفت چون وسائل حمل ونقل با اشکال تهیه میگردید تمام موادی که ازلحاظوزن‌سنگین بودنددرهمان نروژبجاگذاشته شده ولی غیرقابل‌استفاده گردیدند. تیپ لهستانی‌موقعی که به‌برتانی رسید ازحیث وسایل اقتصادی وحتی‌ازحیث مواد غذائی سخت در مضیقه بود ولی روحیه و ارزش سربازی افراد تغییری نکرده و به‌همان قوت اولیه باقی بود. موقعیکه سربازان لهستانی دربرست ازکشتی‌پیاده شدند فرانسویان بافرياد شادی از آنها استقبال نمودند.

روز ۱۴ ژوئن پس ازاینکه آلمان هجوم‌خود را به فرانسه شروع نمود تیپ پودهوله تازه ازنروژرسیده بود. دسته‌جات لهستانی باراه‌آهن به‌شهر - دل‌فرستاده شدند (این شهر در نزدیکی سن میشل قرار دارد) و فرماندهی فرانسه پوشش محل تقاطع راه‌آهن رادرشهر - دل - بآنها واگذار نمود.

روز ۱۷ ژوئن موقعیکه ارتش فرانسه شروع به

مناظر بخصوصی است که تانزدیك لنینگراد Leningrad کشیده شده‌جنگلها قلمستانها ویا دریاها وچمنزارهای زیبا و مزارع قشنگ ومنازل چوبی از خصوصیات این ناحیه است .

ناحیه دوم ـ ازشرق شروع شده از Dantsig و Sandomiertz ساندومیرتز میگذرد و جنگلهای این منطقه بیشتر بلوط است .

دشتهای‌ویستول‌تحت تاثیر جوی دریای آتلانتیك قرار میگیرد .

مثلادرورشو کمتر اتفاق میافتد که‌برف ماه‌دسامبر تا مارس وجود داشته باشد . در این نواحی هوا فوری تغییر میکنند وممکن است چندروز پشت‌هم‌باران‌لطیفی ببارد ودرصورتیکهٔ میزان‌الهوا اغلب ٦ درجه زیر صفر را نشان میدهد بقسمی که انسان میل میکنند که پالتو های پوست راکنار بگذارد ولی درهمین زمان یکباره



قصر معروف لازنکی در ورشو

هوا تغییر کرده وسرما باشدت بر گشته و میزان الهوا ۲۰ درجه‌درشب نشان میدهد و اغلب شب برف باشدت تمام‌باریده‌وتمام‌سطح زمین راسفیدمینماید‌وصبح آفتاب برهمه‌جا پرتو افکنده وحرارت دلچسبی دارد . گاهی برف نوامبرالی اوائل ماه‌آوریل باقی است چند روزپس ازآنکه برفها‌آب‌شدند وشایدهنوز وجوددارندیکباره سراسرخاك سبز وخرم گشته ودرختهاغرق شکوفه می گردند و بلا فاصله تابستان شروع میگردد و یکباره میزان‌الهوا ۳۰ درجه روی‌صفر رانشان‌میدهد.این‌تغییرات هوای شرق دروجود اهالی و مردم بی‌تأثیر نیست .

میتوان گفت که لهستان قدیم مابین‌دودنیای متغیر اروپا وآسیا تحت تاثیر واقع شده . و مرکزآن بیشتر به شرق نزدیك بوده‌تاامروز . درآنزمان که کشوربادشاهی لهستان بقدرت فوق‌العادهٔ رسیده بود خاك این پادشاهی تا ناحیه Don و دریای سیاه کشیده‌شده بود درهمان زمان این‌مملکت‌بستگی کاملی‌به‌اروپا داشت زیرادارای تربیت لاتین بود در مقابل این تمدن غربی هزار بار لهستان در صدد دفاع هجوم تاتارها وترکها بر آمدند تا آنکه مسیحیت درآنجا استقرار پیدا نمود . در هرحال این تمدن تمدن خاصی شد که هم‌ازتمدن آلمان‌بدوربود وهم از تمدن روسیه واهالی مسکو .

ارتش لهستان در خارجه

۱۹۴۳ — ۱۹۳۹

روز ۱۷ سپتامبر ارتش دشمن تقریبا تمامی خاك لهستان را تسخیر کرده‌بود ولی هنوز زد و خورد های سخت وخونین درسنگرهای هل ومدلین وورشو ادامه داشت این‌شهرها قلعه‌های خونینی‌بودند که میخواستند تا لحظه آخر فداکاری نمایند وشرافت نظامی‌لهستان‌و افتخارات اورا نگاهداری نمایند . در جنگلهای‌قدیمی و باتلاقها دسته‌های سربازان که کاملا‌محاصره‌شده‌بودند و ارتباط آنها بکلی با فرماندهی کل قطع شده بود با حرارتی مایوسانه‌بر علیه‌دشمنی که ازحیث‌اسلحه‌از آنها بسیار قویتر و از حیث عده هم چندین‌برابر آنها بود جنگ میکردند .

درهمین موقع بودکه دستجات ارتش‌لهستان که نزدیك سرحدات هنگری وورومانی ولیتوانی بودند از سرحد گذشته وواردخاك بیگانه گردیدند . اینها نمی-خواستند بدست دشمن اسیر شوند بلکه میخواستندهر طوری شده وسیله‌ای برانگیزند ودوباره جنگ برعلیه

رفته ۳۰ هزار نفر از فرانسه خارج شدند. کادرهای مخصوصی جهت هوانوردان لهستانی که عده آنها به هشتهزار نفر میرسد ایجاد شد و بزودی در سرزمین انگلستان یك سپاه لهستانی تشکیل گردید و دفاع قسمتی از جزایر بریتانیا به عهده آن واگذار شد.



نیروی دریائی لهستان

حالا به تشریح نیروی هوائی و ناوگان لهستان به پردازیم.

در موقع شروع جنگ نیروی هوائی لهستان بسیار ضعیف بود و تقریبا به ۳۸۸ هواپیما میرسید که ۳۰۰ تای آن هواپیماهای جنگی بودند. آلمانها ۳۵۰۰ هواپیما برعلیه لهستان بکار انداختند. هواپیماهای آلمانی از حیث سرعت وقدرت تیراندازی بر هواپیماهای ما برتری داشتند. اما باوجود بدی نوع هواپیما و تفوق فوق العاده دشمن هوانوردان لهستانی باشجاعت و نداکاری فوق ـ العاده‌ای برعلیه او جنگیدند و ارزش سربازی خود را به عالمیان نشان دادند. نیروی هوائی لهستان تقریبا ۸۰۰ هواپیما و ۱۱۵۰ تانك آلمانی را از بین برد. در موقع جنگ لهستان دسته جات هوائی لهستان روزی ۸ بار پرواز می کردند و بسیاری از هوانوردان درطی این پروازها جان سپردند. زخمیها فوق‌العاده زیاد بودند و آنهائیکه با چترنجات از هواپیماهای خود فرود میآمدند اغلب نیمه سوخته بزمین میرسیدند. نیروی هوائی بمباران مأموریت داشت از حرکت دسته جات زره‌پوش دشمن که بطرف ورشو پیش میرفت جلوگیری نماید. این دسته‌جات هوائی هر کدام روزی ۲۴ بار برای بمباران خطوط دشمن پرواز میکردند.

روز ۱۸ سپتامبر بنا به امر مقامات لهستانی هوانوردان از راه هوا یا زمین از سرحد لهستان گذشته ووارد رومانی شدند و آنجاهم بازداشت گردیدند، اغلب این هوانوردان سعی میکردند فرار کنند ولی گرفتار میشدند و این بار بحبس میافتادند و در آنجا به آنها گرسنگی می دادند وانواع واقسام شکنجه‌ها بر آنها روا میداشتند، ولی بالاخره عده‌زیادی ازهوانوردان مزبور موفق شدند به‌فرانسه فرار نمایند. اماافسوس در فرانسه باندازه کافی هواپیمانداشتند. در بهار سال ۱۹۴۰ یك دسته‌هواپیمای شکاری تشکیل شد که به همراهی نیروی هوائی فرانسه بجنگ پرداخت و شجاعت وازخودگذشتگی آنهامورد تحسین افکار عمومی فرانسه واقع گردید. در ماه‌مه ۱۹۴۰ یك دسته ازهوانوردان لهستانی مامور دفاع هوائی پاریس میشوند. خلاصه اینکه نیروی هوائی لهستان ۷۰ هواپیمای آلمانی را درفرانسه از بین برد.

پس ازسقوط فرانسه هوانوردان لهستانی بانگلستان رفتند و آنجا جبههٔ تازه‌ای برعلیه آلمان تشکیل دادند.

برطبق موافقتنامه انگلیس و لهستان که از طرف ژنرال‌شیکورسکی امضا شد نیروی هوائی لهستان دوش بدوش نیروی هوائی سلطنتی به جنگ پرداخت، تمام دسته‌های هوائی که عده آنها به ده‌ها میرسید برعلیه آلمان بعملیات پرداختند. دسته‌های هوائی لهستانی ۳۰۳ از لحاظ عده هواپیمای آلمانی که درعرض یك ماه سرنگون کرده حد نصاب را برد. بر طبق اطلاعات اخیر نیروی

تسلیم نمود تیپ پودهوله باموافقت ژنرال پرتوارت جبهه را ترك گفت و برای سر وصورت دادن به سازمان خود وملحق شدن به سایر واحد های ارتش لهستان به عقب جبهه رفت درطی این عقب نشینی واحدهای موتوریزه آلمان جاده‌را برلهستانیهابستند. ودسته‌جات مخصوصی مامور شدند برای عبور ارتش لهستان راهی بازنمایندو آنها را بیکی ازبندرهای برتانی یا بنادر جنوب برسانند ولی هیچکدام نتوانستند این منظور را بطور کامل انجام دهند. عده زیادی ازسربازان این تیپ موفق شدندخود را به جنوب فرانسه برسانند و از آنجاهم بانگلستان انتقال داده شدند.

همینکه فرانسه مورد هجوم واقع شد دسته جات جدیدالتاسیس ارتش لهستان درزد وخورد برعلیه آلمانها شرکت نمودند. لشگر اول لهستانی تحت فرماندهی ژنرال دوك با فداکاری فوق‌العاده‌ای درخط ماژینو به جنگ پرداخت وعقب نشینی ارتش فرانسه را حفاظت نمود. این لشگر بنا به امریه ژنرال شیکورسکی سعی نمود راهی بازنموده و خود را به سویس برساند. از طرف دیگرفرماندهی فرانسه اصرارداشت که‌تیپ‌های فرانسوی که هنوز ممکن بود نجات یابند ازعقب حفاظت شوند. ژنرال دوك‌این شق اخیر را انتخاب نمود ودوش‌بدوش دسته‌های فرانسوی به جنگ ادامه داد. درجنگهائی که بعدا درگرفت لهستانیها تلفات زیادی دادند و اغلب این سربازان نه به سویس قدم گذاشتند و نه به بانگلسفان. امااین‌رفتار آنـان‌بخوبی ثابت نمود معنای متفق‌وسرباز بنظر لهستانی چیست وچطور لهستانی باتجمل‌فداکاری های سنگین تالحظه آخرین وظیفه خود راانجام‌میدهد.

لشگردیگر بفرماندهی ژنرال‌برو گارمأموریت داشت روی خط ماژینو به دفاع به پردازد اما موقعیکه آلمانها خط‌ماژینو رامحاصره نمودند این لشگر مجبور شدعقب‌نشینی نماید. مدت دو روز جنگهای خونینی جریان داشت ولهستانیها برعلیه دشمنی که به مراتب از آنها قویتر بودجنگیدند تااینکه بالاخره بااسلحه‌ونظم کامل وترتیب تمام زخمی‌ها را همراه برده وارد خـاك سویس شدند.

تیپ دهم سواره‌نظام تحت فرماندهی‌ژنرال‌ماچك گرچه هنوز برای زد وخوردآماده نبود درنزدیکی دیرنی وارد عملیات شد وبا کمال افتخار مأموریت‌خود را کـه عبارت از عقب انداختن پیشرفت آلمانهـا بود انجام داد.

نیروی‌هوائی لهستان گرچه‌ازحیث‌لوازم‌فنی کامل نبود ولی امتحان خوبی داده و ٥٥ هواپیمای آلمانی را برفراز فرانسه سرنگون نمود.

سرباز لهستانی حتی موقعیکه ارتش فرانسه‌درهم خوردشدوفرانسه‌هم‌باسخت‌ترین‌شکست‌هامواجه گردید وظیفه خود را نسبت به فرانسه انجام داد و تادقیقه‌آخر نسبت به متفق خود وفادار ماند،

درسال۱۹۳۹درفصل زمستان‌عده‌زیادی‌ازسربازان لهستانی که‌ازلهستان متصرفی آلمان وورومانی وهنگری گریخته‌بودنددرسوریه جمع شده وفرمانده کل‌تشکیل یك تیپ لهستانی را به‌سرهنگ کابانسکی واگذارنمود.

این تیپ موسوم به تیپ کارپات گردید ودر موقع تسلیم فرانسه با اسلحه و افراد خود به فلسطین وبه‌متفق خود بریتانیا پیوست. تیپ کارپات پس ازده‌ماه‌جنگ‌در طبروق و خارج طبروق بادسته‌جات ارتش لهستان که از روسیه خارج شده بودند درعراق متحد گردید.

موقعیکه فرانسه تسلیم گردید ارتش مادرفرانسه نزدیك‌بود بکلی‌ازهم پاشیده شود. ژنرال‌شیکورشکی با هواپیمابه‌لندن‌مسافرت نمود و نخست وزیرانگلستان مستر چرچیل عده‌زیادی ازواحدهای‌جنگی وبازرگانی انگلستان‌رابرای‌تجلیه ارتش لهستان‌تخصیص داد وباین ترتیب عده‌زیادی از سربازان لهستانی از فرانسه خارج شده و بانگلستان رفتند. درنتیجه تمام‌واحدهائی که‌در جنك شرکت کرده بودند نجات یافتند و فقط مهاجرین لهستانی مقیم فرانسه درفرانسه باقی مانده و به‌خانه های خودمراجعت‌نمودند. بیش‌از۲۳ هزار سربازبانگلستان برده‌شدند. کمی‌بعد بوسایل دیگری عده‌ای‌ازسربازان لشگر اول پیاده‌نظام وتیپ پودهوله نیز خاك فرانسه را ترك گفتند. تیپ زره‌پوش (تیپ دهم سواره نظام)هم‌به طور کامل از فرانسه خارج گردید. باین ترتیب روی هم

هوائی لهستان بیش از ۸ملیون کیلو بمب بر آلمان ریخته و ۵۰۰هواپیمای آلمانی‌راسرنگون کرده‌است ازاین ۵۰۰ هواپیما۲۰۰ تای آن‌بوسیله دسته۳۰۳ سرنگون گردیده است. تا آخر ۱۹۴۱ نیروی هوائی لهستان درجنگ بر علیه آلمانها ۱۰۰۰ هواپیما ازدست داد.

ناوگان جنگی‌نیروی دریائی لهستان نیز درجنگ برعلیه آلمان سهم بسزائی داشتند. ناوشکنهای ـ گروم ـ (بردو) و ـ بوچا ـ (طوفان) وبلیسکاویتسا ـ (رعد)و زیردریائیهای ـ ویلك (گرك) و ـ اوژل ـ (عقاب) در همان ابتدای جنگ به بریتانیای کبیر آمدند و درجنگ های دریائی عملاشرکت نمودند. کشتیهای جنگی ما که عده‌آنها روزبروز رو بفزونی میرود روی سطح پهناور دریاها‌به خدمت‌مشغول‌میباشند. ازاواخر ماه‌اکتبر ۱۹۴۰ ناوشکنهای ما شروع به مشایعت و اکتشاف در شمال اقیانوس اطلس نمودند وباوجود خطرات واشکالاتی که با آن مواجه بودند به خوبی از انجام وظیفه خود بر آمدند. درطی‌یکی ازاین مشایعت‌ها به‌ناوشکن‌لهستانی گروم ـ برق ـ دستور رسید برای جستجوی‌یك کشتی جنگی آلمان موسوم به ـ بیسمارك ـ که ناوجنگی انگلیس‌موسوم‌به ـ هود ـ را غرق‌نموده حرکت‌نماید، پس از سه‌روز ناوشکن لهستانی ناوجنگی آلمان‌رایافت و برای اولین بار بآن حمله نمود. کشتی بیسمارل یك ناو پنجهزار تنی بود و اسلحه‌آن هم از بهترین توپهای ۱۶ پوسی بود. بزودی کشتیهای انگلیسی رسیدند وناو بیسمارك‌رابااعماق‌دریاهافرستادند. ناوشکن ـ گارلاند ـ چندین بار درجنگهای دریائی به موفقیتهای درخشانی نائل گردید. درطی مسافرت بروسیه در مشایعت کشتی های حامل اسلحه وغیره این ناوشکن ۷ روز و ۷ شب با قوای دشمن جنگیدند. ولی با وجود تلفات سنگین کار کنان ناوشکن بار ذیقیمت خود راسالم‌به‌بندر رسانیدند.

دراین مختصر نمیتوان تمام عملیات ناوهای‌جنگی لهستان را شرح داد و به علل دیگری هم نمیتوان کلیه آنها را اسم برد ولی اینقدر میتوان گفت که ناوگان جنگی‌لهستان باهمان‌حرارت روزاول بادشمن‌میجنگد وهر روز شجاعت و افتخار تازه‌ای برافتخارات آن اضافه میگردد.

کشتیهای تجارتی لهستان هم درجنگ اوقیانوس اطلس‌شرکت مینمایند و درحمل ونقل مواد جنگی‌سهم بزرگی دارند.

ژنرال شیکورسکی در طی‌یکی از نطقهای‌خود گفته بود:

ـ کارکنان و جاشوان ناوگان لهستان همه‌مورد تمجید و تحسین واقع شده و با ابراز شهامت و ازخود گذشتگی با دشمن مشترك جنگیدند بطوریکه مورد تمجید نیروی دریائی انگلستان واقع شدند.

راجع به ارتش لهستان درروسیه شوروی کمی صحبت نمائیم:

در ماه ژوئیه ۱۹۴۱ موقعیکه دولت لهستان با دولت شوروی موافقتنامه‌ای امضاء نمود هزاران‌لهستانی که درزندانها بسر میبردند آزاد گردیدند و بزودی تشکیل ارتش لهستان درسرزمین روسیه شوروی‌شروع شد. به علت فراهم نبودن وسایل رفع احتیاجات این ارتش درروسیه و به علل دیگری این ارتش از روسیه به عراق منتقل گردید و با تیپ کارپات که سابق ذکر آن رفت متحد شد. باین ترتیب کلیه ارتش لهستان درخاور میانه متمرکز گردید.

ازلحاظ اهمیت میان دول متفق ارتش لهستان در درجه پنجم قرار دارد.

ارتش لهستان از ابتدای جنگ و درزمان حاضر و درآتیه هم عامل مهم سیاست لهستان میباشد.

ارتش لهستان که فعلا در تمام جبهه‌ها بجنگ مشغول است و به‌کمك استرالیا و نیوزلاند‌بهامی شتابد برای سرحدات آتیه لهستان وامنیت آن جنگ‌میکند.